

اوئن آلدريج، (ویراستار و نویسنده مقدمه‌ها). *ادبیات تطبیقی: موضوع و روش*. اربنا: انتشارات دانشگاه ایلینویز، ۱۹۶۹. ۳۳۴ ص.

**Aldridge, A. Owen (Edited with Introductions by). *Comparative Literature: Matter And Method*. Urbana: University of Illinois. 1969. 334 p.**

پرفسور آلدريج، بنیان‌گذار و سردبیر مجله مطالعات ادبیات تطبیقی<sup>۱</sup>، گلچینی از مقالات پنج سال نخست مجله خود را در این کتاب منتشر کرده است. هدف این کتاب ارائه نمونه‌هایی از انواع مشکلات مورد توجه تطبیق‌گران و راه‌حل‌های این مشکلات، و البته ارائه نمونه‌ای برای خود این نشریه است. اگر چه مخاطبان هر یک از این مقالات متخصصان و پژوهشگران پخته و جاافتاده‌اند، مخاطبان کتاب — در راستای هدف ویراستار در جهت ارائه نمونه — دانشجویان یا غیرتطبیق‌گران‌اند. در نتیجه، آلدريج مقدمه کلی کوتاهی درباره «هدف و چشم‌اندازهای ادبیات تطبیقی»<sup>۲</sup> بر کتاب می‌نویسد و بر مبنای تقسیم‌بندی مقالات، مقدمه‌های جداگانه‌ای نیز درباره انواع گوناگون مطالعات تطبیقی به فصل‌های مختلف می‌افزاید: نقد و نظریه ادبی، نهضت‌های ادبی، مضامین ادبی، فرم‌های ادبی، و روابط ادبی. فصل آخر نیز به بخش‌های کوچک‌تر تاریخ ادبی، تاریخ عقاید و اندیشه‌ها، سراب‌ها، منابع و تأثیرات، ادبیات و جامعه، و ادبیات و علم تقسیم می‌شود. دیدگاهی که در این مقدمه‌های استادانه و واقعیت‌بنیاد مطرح می‌شوند به طور گسترده پذیرفته شده‌اند، و مخاطبان این مقدمه‌ها به وضوح دانشجویان‌اند.

جالب اینکه طبقه‌بندی این مقالات پژوهشی غالباً امری سلیقه‌ای است. مثلاً مقاله فردریک دبلیو دیلیستن با عنوان «هبوط: حقیقت مسیحی و نماد ادبی»<sup>۳</sup> زیر سرفصل «مضامین ادبی» قرار گرفته، ولی می‌شد آن را در زمره مقالات «تاریخ عقاید و اندیشه‌ها» نیز قرار داد، یا زیر سرفصل‌های دیگری از قبیل «ادبیات و دین» یا «استعاره و نماد» که

---

<sup>1</sup> *Comparative Literature Studies*

<sup>2</sup> “The Purpose and Perspectives of Comparative Literature”

<sup>3</sup> Frederick W. Dillistone, “The Fall: Christian Truth and Literary Symbol”

در این مجموعه یافت نمی‌شود. البته وجود این قبیل امکانات نافی کار نویسنده یا ویراستار نیست و این نوشته به خودی خود مقاله‌ای ممتاز است. ولی این امکانات متعدد حاکی از این واقعیت است که پژوهش ادبی خوب کل منسجمی است که غالباً طبقه‌بندی را بر نمی‌تابد. اگر نظریه انواع ادبی ناقص است، نظریه انواع پژوهش در حقیقت وجود خارجی ندارد.

طبقه‌بندی مقالات در واقع اهمیت چندانی ندارد، و بحث درباره تک‌تک آنها، با هر مقدار تفصیل، ممکن نیست. از این رو، شاید بهتر آن باشد که به طور خلاصه به رویکردها، روش‌ها و نگرش‌های مختلفی پردازیم که در این مقالات مشاهده می‌شود. و از آنجا که ویراستار دقت کرده و پسند خود را در این زمینه به هیچ وجه دخالت نداده است، کتاب حاضر تصویر خوبی از امکانات مطالعه تطبیقی به دست می‌دهد.

دو مقاله «فلسفه و نقد امریکایی پس از جنگ جهانی دوم» به قلم رنه ولک<sup>۱</sup> و «فرانسه-امریکا: انکسار در دو سوی اقیانوس اطلس» به قلم هری لوین<sup>۲</sup> شروع خوبی برای کتاب محسوب می‌شوند. وجه مشترک این دو مقاله صرفاً ممتاز بودن و فضل و دانش آنهاست؛ همه ویژگی‌های دیگرشان متضاد است. ولک این حوزه را بی‌طرفانه و از اوج شکوهمند دانش و معرفت بررسی می‌کند، حال آنکه لوین اهل بحث و جدل است. مقاله ولک رسمی، خردمندانه و روشمند است، و مقاله لوین غیررسمی، بامزه، و کم‌وبیش پراکنده. ولک کارهایی را که کتاب‌های راهنمای روش تحقیق به دانشجوی توصیه می‌کنند تمام و کمال انجام می‌دهد، و لوین دست به کارهایی می‌زند که کتاب‌های راهنما دانشجوی را از آنها منع می‌کنند. خواننده با مقایسه این دو مقاله بلافاصله به یاد روایت مشهور توماس فولر<sup>۳</sup> از درگیری‌های عقیدتی در کافه پری دریایی<sup>۴</sup> می‌افتد و ولک را در نقش بن جانسن و لوین را در نقش شکسپیر مجسم می‌کند.

چندین مقاله این کتاب خواننده را به تأمل درباره رابطه تطبیق‌گر و زمانه‌اش فرامی‌خواند. بدیهی است که تطبیق‌گر نباید از جریان تفکر عقب باشد و لازم است که

<sup>1</sup> René Wellek, "Philosophy and Postwar American Criticism"

<sup>2</sup> Harry Levin, "France-Amérique: The Transatlantic Refraction"

<sup>3</sup> Thomas Fuller

<sup>4</sup> Mermaid Inn

— تا حدی — انسان عصر خویش باشد. ولی این نیز بدیهی است که دانش او و نظر موافقش نسبت به اعصار دیگر باید او را به دیدگاهی دربارهٔ عصر حاضر مجهز کند. این روند را می‌توان در مقالهٔ ایهاب حسن با عنوان «فراتر از نظریهٔ ادبیات: اشاراتی به پایان جهان؟»<sup>۱</sup> مشاهده کرد. این دیدگاه، در مجموع، به طور آگاهانه و کم‌وبیش با قطعیت معاصر است، ولی همواره تردیدها و عقب‌نشینی‌هایی در زمینهٔ دنبال کردن آن تا رسیدن به نتایج منطقی و غایی وجود دارد. نویسندهٔ مقاله به‌وضوح از این واقعیت آگاه است که نتایج منطقی و غایی غالباً پوچ و یاوه‌اند. در مقالهٔ الن رادوی با عنوان «جریان‌های مخالف در نقد معاصر انگلیسی»<sup>۲</sup> توازن مشابهی مشاهده می‌شود. برخورد او با پژوهش آکادمیک سنتی (پیش از لیوت) در ادبیات بسیار جدی و سختگیرانه است، و خواننده دچار این شبهه می‌شود که رادوی صرفاً بنا به پسند روز خود را روزآمد نشان می‌دهد؛ ولی در طول مقاله مشخص می‌شود که برخوردش با ادعاهای برخی از مکاتب مدرن نیز به همان میزان جدی و سختگیرانه است. والتر جی. آنگ در مقالهٔ «تکامل، افسانه، و بینش شاعرانه»<sup>۳</sup> به این بحث می‌پردازد که شعر اساساً موهوم و بی‌زمان است، و به همین دلیل نتوانسته تفکر علمی مدرن را که زمانمند و تکاملی است، جذب کند. سپس این استدلال متناقض را مطرح می‌کند که تنها مذهب کاتولیک (مثلاً در آثار هاپکینز) قادر است ارزش‌های بی‌زمان را با پیشرفت تکاملی آشتی دهد — استدلالی که، به گمان من، به همان میزان که طراز اول و بحث‌انگیز است، غیرقابل قبول هم هست. گمان می‌کنم در میان نویسندگان این مقالات تنها ادوین ام. موزلی در دام بحث‌های معاصر افتاده است. مقالهٔ «دین و انواع ادبی»<sup>۴</sup> او، به نظر من، سرشار از کلی‌گویی‌های بزرگی است که نشان چندانی از بررسی انتقادی ندارند. طرح‌ریزی‌های موزلی دلخواهی است، و میان افکار مدرن قابل قبول و شعارهای باب روز هیچ تمایزی قائل نیست.

مقالهٔ گریگوره ناندریس دربارهٔ «دراکولای تاریخی: مضمون افسانهٔ او در ادبیات اروپای غربی و شرقی»<sup>۵</sup> و مقالهٔ اسکویلر وی. آر. کمن دربارهٔ «کریستوفر ارمی و سه

<sup>1</sup> Ihab Hassan, "Beyond a Theory of Literature: Intimations of Apocalypse?"

<sup>2</sup> Allan Rodway, "Crosscurrents in Contemporary English Criticism"

<sup>3</sup> Walter J. Ong, "Evolution, Myth, and Poetic Vision"

<sup>4</sup> Edwin M. Moseley, "Religion and the Literary Genres"

<sup>5</sup> Grigore Nandris, "The Historical Dracula: The Theme of His Legend in the Western and in the Eastern Literatures of Europe"

شاهزادهٔ سرندیب<sup>۱</sup> از یک نظر کاملاً مشابه‌اند، گویانکه در فصل‌های متفاوتی قرار گرفته‌اند. تنها تفاوت واقعی این مقالات که اهمیت چندانی هم ندارد، این است که مبنای اطلاعات در مورد کنت دراکولا تاریخی و در مورد شاهزادگان سرندیب ادبی است. در هر دو مورد، خوانندهٔ معمولی، دانشجو، و پژوهشگر متخصص همگی خواندن مقاله را با آشنایی اندکی با موضوع آغاز می‌کنند و از حجم اطلاعات، روابط ظریف و پیچیدهٔ واقعیت‌ها، و مهارت نویسندگان در رازگشایی از این پیچیدگی‌ها در شگفت می‌شوند.

لیلین فورست («رمانتیسیم در چشم‌انداز تاریخی»<sup>۲</sup>)، هسکل ام. بلاک («همانندی فرضی شعر متافیزیکی و شعر سمبلیک»<sup>۳</sup>)، و جان گسنر («انواع تئاتر حماسی در درام مدرن»<sup>۴</sup>) همگی درگیر روشن کردن مسائل‌اند. یکی از وظایف اصلی پژوهش که به‌ندرت بر آن تأکید می‌شود همین است: از بین بردن اشتباه نیز مانند روشن کردن حقیقت خدمت بزرگی به شمار می‌رود. نویسندگان این مقالات از روش‌های تطبیقی برای تصحیح عقاید اشتباهی استفاده می‌کنند که عمدتاً ناشی از پژوهش محدود در برخی ادبیات‌هاست. لیلین فورست نشان می‌دهد که رمانتیسیم به‌عنوان پدیده‌ای منفرد با دوره‌های تأثیر متقابل در آلمان و انگلستان و فرانسه، به کلی با سه نهضت رمانتیک متمایزی که در کتاب‌های راهنمای این سه ادبیات مجزا تشریح می‌شود، متفاوت است. بلوک به بحث دربارهٔ این نظر می‌پردازد که شاعران متافیزیکی قرن هفدهم و شاعران سمبلیست صد سال اخیر شباهت بسیار به یکدیگر دارند. او معتقد است، به رغم این نظر که مدام هم تکرار می‌شود، مشابهت‌های این دو گروه کم‌اهمیت و تفاوت‌هایشان اساسی است. گسنر ثابت می‌کند که «تئاتر حماسی» — این نام بسیار نامناسب است، ولی ظاهراً چاره‌ای جز استفاده از آن نداریم — ریشه‌های گسترده و شاخه‌های ظریفی دارد که در این تصور ساده‌انگارانه که تئاتر حماسی اختراع شخص برشت و تولید انحصاری اوست، هیچ نشانی از آنها دیده نمی‌شود. در هر سهٔ این مقالات، روند از بین بردن اشتباه، دست‌کم به‌مراتب بیشتر از روندهای دیگر، به کشف حقیقت نزدیک

<sup>1</sup> Schuyler V. R. Cammann, "Christopher the Armenian and the Three Princes of Serendip"

<sup>2</sup> Lillian Furst, "Romanticism in Historical Perspective"

<sup>3</sup> Haskell M. Block, "The Alleged Parallel of Metaphysical and Symbolist Poetry"

<sup>4</sup> John Gassner, "Varieties of Epic Theatre in Modern Drama"

می‌شود. مقاله «مونتسکیو و ماکیاولی: ارزیابی دوباره» به قلم رابرت شکلتن<sup>۱</sup> نیز از جهتی همین کار را انجام می‌دهد، ولی هرچند اظهارات پیشین و عقاید اشتباه را تصحیح می‌کند، پژوهشی دقیق دربارهٔ مبحثی بسیار محدود و تخصصی است، به نحوی که نتیجهٔ نهایی آن بیشتر اثبات برخی واقعیت‌هاست تا روشن کردن حقایق.

فرانسوا یوست نیز در «رمان مکاتبه‌ای و تکنیک روایت در قرن هجدهم»<sup>۲</sup> عمدتاً به واقعیت‌ها می‌پردازد. او اطلاعات بسیاری دربارهٔ تاریخ‌ها، گرایش عمومی، و تیراژ رمان‌های مکاتبه‌ای، شمار طرف‌های مکاتبه و تعداد نامه‌هایی که هر یک می‌نویسند، و اطلاعات دیگری از این قبیل را با ارزیابی زیباشناسانهٔ ناچیزی ارائه می‌کند. ولی این رویکرد کم‌وبیش اثبات‌گرایانه، که ظاهراً به نقد بدگمان نیست، به هیچ وجه مانع از تفسیر واقعیت‌ها نمی‌شود، و بحث دربارهٔ دلایل رواج، محبوبیت، و زوال رمان مکاتبه‌ای و ماهیت و دلایل بقای آن در ادبیات مدرن هم جدی و هم متقاعدکننده است. مقالهٔ روگو مونتانو دربارهٔ «تأثیر کروچه و تاریخی‌گری در ایتالیا»<sup>۳</sup> به معنای دقیق کلمه پژوهش تطبیقی نیست. (این مقاله ابتدا در شمارهٔ ویژه‌ای دربارهٔ گرایش‌های تفکر انتقادی در کشورهای مختلف منتشر شده بود.) به هر تقدیر، مقالهٔ مونتانو پژوهش جامع و متفکرانه‌ای است که نشان می‌دهد گریختن از نفوذ کروچه برای منتقدان ایتالیایی مدرن — از جمله برای دشمنان آشکار کروچه — تا چه حد دشوار است.

ماریو پراتس در پژوهش خود دربارهٔ «باغ آرمیدا»<sup>۴</sup> که می‌توانست زیر سرفصل ادبیات و هنرهای دیگر نیز قرار بگیرد، به تشریح تاریخ عقاید و اندیشه‌ها می‌پردازد. پراتس در آغاز مقالهٔ خود به تاسو در مقام شاعری پیش‌رمانتیک می‌پردازد، و سپس به شیوه‌ای دلپذیر و پراکنده دربارهٔ جنبه‌های مختلف و مرتبط احساس صحبت می‌کند تا به توصیف تاسو به عنوان بهترین منبع برای باغ معمولی انگلیسی می‌رسد.

سرانجام، مقالهٔ «وضعیت تراژدی» به قلم مارتین جرت-کر<sup>۵</sup> که هر چند به‌درستی فصل «ادبیات و جامعه» قرار گرفته، بیشتر به‌عنوان تجربه‌ای در روش‌شناسی آموزنده است. از تعریف تراژدی از طریق حذف، و تعیین مرزهای همه‌جانبه‌ای که در صورت

<sup>1</sup> Robert Shackleton, "Montesquieu and Machiavelli"

<sup>2</sup> François Jost, "Le Roman épistolaire et la technique narrative au XVIIIe siècle"

<sup>3</sup> Rocco Montano, "Crocean Influence and Historicism in Italy"

<sup>4</sup> Mario Praz, "Armida's Garden"

<sup>5</sup> Martin Jarret-Kerr, "The Condition of Tragedy"

عبور از آنها دیگر تراژدی نخواهد بود، چه می‌آموزیم؟ واقعیت این است که هم درباره تراژدی و هم درباره نیروهای اجتماعی پیرامون آن بسیار می‌آموزیم — گو اینکه بدون تردید به تعریفی نهایی نمی‌رسیم.

طیف رویکردها و موضوع‌های کتاب *ادبیات تطبیقی: موضوع و روش* برای توجیه عنوان این مجموعه کافی است. مدت‌هاست که — بی‌آنکه بدانیم — به چنین نمونه‌ای نیاز داشته‌ایم، و مطالعه این مقالات احتمالاً دانشجوی ادبیات را بهتر از هر کتاب راهنمای توصیفی درباره این موضوع با ماهیت ادبیات تطبیقی آشنا خواهد کرد.

کلوین اس. براون<sup>۱</sup>  
ترجمه مژده دقیقی



<sup>1</sup> Calvin S. Brown